

تلاش دولت موقت برای جلوگیری از جنگ تحمیلی عراق

اخیراً برخی از دشمنان انقلاب اسلامی و تحت تأثیر جوسازیهای آنان عده‌ای از مسلمانان ناآگاه مدعی شده‌اند که جنگ و تجاوز ارتش عراق علیه ایران در اثر سهل‌انگاری دولت موقت بوده است. برای رفع هرگونه سوءتفاهم افراد ناآگاه و جلوگیری از توطئه مغرضین توضیحات زیر منتشر می‌شود: دولت موقت در ۱۵ آبان ۱۳۵۸ استعفا داد و جای خود را به دولت شورای انقلاب سپرد. ارتش بعثی عراق در شهریورماه ۱۳۵۹ یعنی ده ماه پس از استعفای دولت موقت در زمان نخست‌وزیری مرحوم رجایی به ایران حمله کرد.

نسبت سهل‌انگاری به دولت موقت به خاطر جنگ عراق علیه ایران خیلی بی‌انصافی و به دور از تقوی اسلامی است.

آنها که چنین مسئله‌ای را مطرح می‌سازند یا از مسائل سیاسی به دور بوده و بی‌اطلاع هستند و یا خدای ناکرده مغرض و نسبت به دولت موقت کینه‌توز و یا آنکه اسیر جو سیاسی بیمارگونه موجود. آخر چطور ممکن است کسانی خود را مسلمان بدانند و خود را در مسائل سیاسی هم صاحب نظر بدانند و این چنین قضاوت کنند؟ دولت موقت کجا و تجاوز عراق به ایران کجا؟ درست برعکس، آنچه این برادران ادعا کرده‌اند، موضع دولت موقت در برابر دولت عراق از موضع قدرت و بسیار قاطع و واقع‌بینانه بوده است.

همه می‌دانند که از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم بعث عراق درصدد حمله به ایران بوده است و تدارک می‌دیده و تحریکات می‌نموده است. حمله نظامی به ایران بعد از پیروزی انقلاب قابل پیش‌بینی بود. در تمام انقلابات جهان، بعد از پیروزی و سقوط نظام کهنه و پوسیده گذشته، در دوره‌ای که نظام جدید و جامعه دوره انتقال را می‌گذرانند و نظام جدید هنوز کاملاً مستقر نشده است، نیروهای ضدانقلاب در خارج کشور متمرکز شده و از آنجا حمله را آغاز می‌کنند تا به خیال خود مانع استقرار نظام جدید شده و آن را ساقط سازند. در انقلاب ایران نیز همین امر پیش‌بینی می‌شد و لذا حمله عراق به ایران غیرمنتظره نبود. دولت عراق تصور می‌کرد در ایران بعد از پیروزی انقلاب، هرج و مرج حاکم است و به دلیل تعدد مراکز قدرت می‌تواند با تحریکات خود و ایجاد زمینه مساعد حمله را آغاز نماید. مردم ما به خاطر دارند که در اسفندماه ۵۷ یعنی در زمانی که هنوز یک ماه از عمر دولت موقت می‌گذشت، هواپیماها و هلیکوپترهای عراقی دهات مرزی ایران را در غرب بمباران کردند. در آن زمان عناصر و گروههای مرموزی، دست به تحریکات شدیدی علیه دولت موقت زدند و از دولت خواستار مقابله به مثل و شدت عمل شدند. اما آنها هرگز نمی‌گفتند دولت موقت آنها در اسفند ۵۷، با کدام نیروی مسلح باید به مقابله با عراق برود و شدت عمل به خرج بدهد؟ آنها که دولت موقت را به حمله متقابل نظامی به عراق تشویق می‌کردند هیچگاه به مردم نمی‌گفتند که عراق چرا حمله کرده است و چه اهدافی دارد و یا چگونه باید به خنثی ساختن این توطئه پرداخت.

حمله عراق در زمانی صورت گرفت که ارتش شاهنشاهی در برابر اراده ملت و انقلاب به زانو درآمد و بافت اداری - نظامی حاکم بر آن از هم گسیخته شده بود. پادگانها تعطیل و متوقف و یا تخلیه شده بودند. نیروی انتظامی، شهربانی و ژاندارمری از هم گسیخته و تعطیل شده بودند. نیروهای مسلح مردمی هنوز تشکل واقعی قابل اعتمادی پیدا نکرده بودند. به موازات تخلیه پادگانهای نظامی اسلحه فراوانی به دست مردم بویژه نیروهای نامطمئن افتاده بود. این تنها مردم مومن و علاقمند به انقلاب نبودند که اسلحه به دست گرفته بودند. ساواکیها و سلطنت‌طلبان، گروههای منحرف ضد اسلامی و ضد انقلاب نیز مسلح شده بودند. درست است که دولت انقلاب روی کار آمده بود اما هنوز قدرت دولت به طور کامل و وسیع مستقر نشده بود. توطئه بود که در چنین شرایطی جنگ را، چه در کردستان و چه در مرزهای غرب و جنوب ایران بر ما تحمیل کنند به طوری که دولت مجبور شود از تنها راه یعنی ارتش برای مقابله استفاده نماید و از این رهگذر، ارتش به طور زودرس منسجم شود. به این ترتیب در حالیکه هنوز تصفیه لازم در ارتش صورت نگرفته است ارتش منسجم شده که ظاهراً هم در جنگ با عراق پیروز شده است با قدرت جدیدی، اما این بار، نه به عنوان ارتش شاهنشاهی بلکه ارتش جمهوری اسلامی ایران پاک و منزله! در صحنه حضور پیدا می‌کند و به عنوان یک روزنه امید برای برنامه‌های احتمالی دشمن باقی بماند. نظیر همین توطئه در کردستان نیز مطرح شده بود و یکی از محورهای اصلی و عمده تحریکات و توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی در کردستان تحقق همین هدف بوده است که دولت موقت را مجبور سازند تا ارتش را به کردستان اعزام دارد، تا در یک مقابله و درگیری نظامی ارتش مجدداً به طور زودرس منسجم گردد. و این از واقع‌بینی دولت موقت بود که تن به چنین تحریکات و توطئه‌هایی نداد و تسلیم نشد.

در چنین وضعیتی چه کسانی جز دشمنان انقلاب اسلامی و مزدوران اجانب و دوستان نادان به دولت موقت حمله می‌کردند که چرا به عراق حمله نمی‌کنند! و شدت عمل بخرج نمی‌دهند؟!

از نظر دولت موقت مسئله تنها این نبود که عراق درصدد حمله به ایران است بلکه مسئله این بود که با توجه به ماهیت شناخته شده رژیم بعثی صدام در عراق آیا انقلاب ایران باید طوری رفتار کند که بهانه‌ای به دست آن رژیم بعثی بدهد تا حمله خود را توجیه کند یا برعکس باید تمهیداتی را به کار گرفت که مانع حمله عراق به ایران شد و یا حداقل زمان حمله را هرچه بیشتر به تعویق انداخت تا شرایط داخلی به آنچنان انسجام برسد که بتوان در برابر تهاجم نیروهای خارجی مقاومت کرد و آن را دفع نمود. دولت موقت روش اول را انتخاب کرد یعنی کوشید توطئه عراق را خنثی کند و از درگیری در زمانی که به نفع دشمن است اجتناب ورزد.

در برابر این توطئه‌ها دولت موقت از موضع قدرت اما صریح و قاطع و با یک دیپلماسی حساب شده با دولت عراق برخورد نمود. روش و عملکرد دولت موقت باعث شد که دولت عراق کتباً طی یادداشتی رسمی به دولت ایران به بمباران دهکده‌های مرزی توسط هواپیماهای خود اعتراف و ضمن قبول اشتباه و عذرخواهی آمادگی خود را برای پرداخت غرامت خسارات وارده اعلام نماید.

به دنبال این یادداشت نمایندگانی از جانب دو دولت دهکده‌های مرزی را برای تعیین میزان خسارت بازدید نمودند. ادامه امر تا وصول خسارات بعد از استعفای دولت موقت به دولت شوروی انقلاب محول گردید که ما از نتایج آن اطلاعی نداریم.

آیا این روش مدبرانه دولت موقت به مصلحت نزدیکتر بود یا تسلیم شدن به توطئه و قبول جنگ تحمیلی! مگر ادعای به حق دولت ایران در حال حاضر این نیست که ارتش عراق از ایران به کلی برون برود. دولت عراق متجاوز شناخته شود و غرامت خسارات جنگ را بپردازد و اگر دولت عراق این شرایط بپذیرد و به تجاوز خود اعتراف و آمادگی خود را برای پرداخت غرامت اعلام نماید آیا دولت ایران خواهد پذیرفت؟ آیا به مصلحت انقلاب و ایران بود که دولت موقت عذرخواهی دولت عراق و قبول پرداخت خسارات را نمی‌پذیرفت و تسلیم تحریکات توطئه‌گران و دوستان نادان می‌شد و جنگ را می‌پذیرفت؟ البته علاوه بر شرایط بالا، در حال حاضر دولت ایران یک شرط دیگری نیز برای پایان جنگ قائل شده است و آن سقوط صدام حسین می‌باشد. اما این شرط را دولت ایران زمانی اعلام کرده است که ارتش بعثی عراق بخش عظیمی از سرزمین میهن ما را اشغال کرد و هزاران جوان ارزشمند ما را بخاک و خون کشید و چند میلیون از هموطنان ما را آواره ساخت. جنایات صدام در این جنگ از آن حدی که بتواند تنها با قبول اشتباه و پرداخت غرامت خسارات جبران کند گذشته است و هیچ مسلمان متعهد و ایرانی وطن‌دوستی در این شرایط، که کاملاً با شرایط اواخر سال ۵۷ و اوائل سال ۵۸ متفاوت است، آن را نمی‌پذیرد.

برخلاف آنچه مدعی شده‌اند جنگ و تجاوز عراق به دلیل سهل‌انگاری دولت موقت نبوده است و ادعای ناحق و بدور از تقوای اسلامی تحریف تاریخ و ظلم به ملت قهرمان و شهیدپرور ایران است. ما به آن برادران مسلمان و ناآگاه که این مسائل را مطرح می‌سازند اعتراض نداریم. می‌دانیم که جو سیاسی علیه دولت موقت و نهضت آزادی ایران و جریان اسلامی منبعث از دانشگاه و تمامی روشنفکران مسلمان بسیار گسترده و قوی و حکایت از یک برنامه ریشه‌دار می‌نماید. احتمالاً این برادران تحت تأثیر این جو ندانسته چنین نسبتی را به دولت موقت داده‌اند. ما به همه برادران مسلمان و متعهد توصیه می‌کنیم که اگر سؤال و ابهام و یا انتقادی از نهضت آزادی ایران و دولت موقت دارند مستقیماً با خود ما تماس بگیرند و اگر توضیحات ما قانع‌کننده نبود، آنوقت انتقاد و ایراد و حمله را با توضیحات ما یک جا برای اطلاع ملت ایران منتشر سازند و این به تقوای اسلامی نزدیکتر است. والسلام. العاقبه للمتقین

روابط عمومی نهضت آزادی ایران

اول تیر ۱۳۶۴